

پیشینه شکل گیری کوی طلاب که بانی آن آیت... میرزا حسین فقیه سبزواری است

میراث ماندگار عالم سبزواری در مشهد

هما سعادت‌مند
 h.saadatmand@shahraranews.ir

کوچه‌های قدیمی مشهد با دیوارهای کوتاه کاهگلی، پیچک‌های تنیده بر خشت‌های خام، عطرهای زیر بازارچه و صوت مؤذن زاده که گوشوار گوش گلدسته‌هاست در ساعت صلات ظهر. کوچه‌های قدیمی مشهد با آفتاب فرش شده بر پشت‌بام‌های خفته زیر شاخه تاک‌ها و نوت‌ها، شهر دست‌های بلندشده در بنا و قنوت‌ها، مشهد قمری‌های آشیان کرده در طاقی ارسی‌های شکسته و هزاره‌زار خیال روشن ناتمام دیگر، همه تصویرهای مشترکی هستند از جریان زندگی در کنار مردمی که صمیمیتی دیرین و اصالتی ماندگار دارند. یکی از این محلات که در سال آخر قرن، به پیروی شصت‌ساله می‌ماند، «طلاب است، محله‌ای که نخستین کلنگ آبادانی آن به دست «آیتا...میرزا حسین فقیه‌سبزواری» (۱۳ فروردین ۱۲۷۱ تا ۱۵ بهمن ۱۳۴۵) به زمین زده شده است. گویا پیش از سال ۱۳۳۸ و قبل از آنکه ایشان زمین‌های این محدوده را برای ساخت خانه‌های مسکونی ویژه طلبه‌های جوان درخواست کند، طلاب امروزی، دشتی خاکی بوده با چند قطعه مزرعه و خانه‌هایی که یک مجموعه روستایی را نقش می‌زده‌اند. همچنین موقوفه محراب‌خان، والی خراسان، که آن را برای نگهداری و سامان دهی جذامیان مشهد تأسیس کرده بوده نیز در آن قرار داشته است و همه این‌ها با خطی شبیه خیابان به حرم امام‌رضا^ع منتهی می‌شده‌اند.

- شمالاً مزرعه رده، جنوباً اراضی شادکن

محله طلاب این روزها که هنوز هم جویاری و همسایگی اش را با حرم حفظ کرده، یکی از محلات مهاجرپذیر و پرجمعیت شهر است که علاوه بر حفظ ساختار سنتی خود، در یکی دو دهه گذشته به دلیل کالبد زائرپذیرش، شمایلی تجاری نیز یافته و به یکی از قطب‌های فروش مانتو و کیف در مشهد تبدیل شده است، محله‌ای که نخستین ساکنان آن طلبه‌های جوان حوزه علمیه مشهد بوده‌اند و حضور همان‌ها هم رشد، توسعه و آبادانی را برای این منطقه به ارمغان آورده است. اما پیش از این سال‌ها، محله طلاب چه نقشی در قالی هزار رنگ ارض اقدس داشته است؟ مهدی سیدی در کتاب «نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد» از روستاهای مستحیل‌شده در شهر می‌گوید که روستای محراب‌خان یکی از آن‌ها است. او می‌نویسد: احتمال می‌رود که این روستا با نام «محراب‌خان قاجار» که در سال‌های ۱۰۱۱ تا ۱۰۱۸ قمری، حاکم مشهد بوده و سپس حاکم مرو شده است در ارتباط باشد، اما به‌نوشته عبدالحمید مولوی، ۵۰دانگ مزرعه محراب‌خان را فردی به‌نام «محمود بیگ» در سال ۱۱۲۰ قمری وقف ایتمام سادات و تعلیم و تربیت آن‌ها می‌کند. حدود این مزرعه در اسناد آستان قدس چنین ثبت شده است:

«شمالاً مزرعه رده، غربا جمع آباد و اسیریزی، شرقاً مزرعه تیرگرد و اراضی خیابان، جنوباً اراضی شادکن.».
سوای این، قلعه محراب‌خان که به قلعه گاودارها هم شهره بوده تا سال ۱۳۶۲ خورشیدی همچنان باقی بوده و یک یخدان هم در جوار آن (در خیابان میثم) وجود داشته است. همچنین در این کتاب آمده است: ۵۰ خانوار فارس در قالب ۵ صحرادر آن ساکن و مشغول به کشت و کار بوده‌اند. این مزرعه همراه با مزارع «دنجان» یا «دنگان»، «علی آباد»، «شادکن» و «جمع آباد» از سوی آستان قدس زیر عنوان یک پلاک به ثبت رسیده و سپس از اصلاحات ارضی از سال ۱۳۴۸ خورشیدی به اجاره داده و ضمیمه شهر شده است.
آسایشگاه جذامی‌ها هم در زمان رضاشاه در همین اراضی محراب‌خان ساخته شده که هنوز هم محل آن در کوی طلاب مشخص است.

- اینی که در گورابی و خوش طعمی مثل آن نباشد

موسسید کرده‌های این محله، علاوه بر این، جوی پهن و عمیقی را نیز در یاد دارند که با گذر از میان خانه‌ها و کوچه‌ها جریان داشته و از قراری مسیر آن به سقاخانه حضرتی می‌رسیده است. در وقف‌نامه «میرزا شاه‌تقی الدین محمد متولی ۱۰۸۸- ۱ قمری» آمده است: سقایان فیض آثار، سقاخانه را از قنات محراب‌خان مشهور به بابی که در گورابی و خوش طعمی مثل آن نباشد، پرمی نمایند. این قنات در طومار علیشاهی نیز ۲۶ تومان و ۸۶۶۰ دینار درآمد، جزو موقوفات آستان قدس معرفی شده است.

- وقتی رفتگان واقعه گوهرشاد بازمی‌گردند

طبق روایت‌ها و اسناد برجامانده، آیتا...میرزا حسین فقیه‌سبزواری که خدمات عمرانی بسیاری برای مشهدی‌ها انجام داده، در سال ۱۳۳۸ موفق می‌شود در مذاکراتی که از پیش با رجال مملکتی داشته است، زمینی را با هدف اسکان شاگردان و طلاب حوزه علمیه مشهد از تولیت آستان قدس رضوی بگیرد. ماجرا از این قرار است که پس از واقعه گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ خورشیدی، بسیاری از علمای اسم و رسم دار مشهد که نامشان با هدایت این واقعه گره خورده بود، مغضوب حکومت وقت می‌شوند و تحت پیگرد قرار می‌گیرند، بنابراین آن عده که می‌توانند، از بیم جان و به ناچار ترک دیار می‌گویند و به یکی از ولایات همسایه کوچ می‌کنند. مهاجرت این علما که خود از مدرسان حوزه علمیه و سرسلسله هرم بودند، سبب کم‌روفتی و تعطیلی دروس حوزوی می‌شود. این روند ادامه می‌یابد تا اینکه پس از برکناری رضاخان از سلطنت، شرایط با عالمان مهاجر سازگار می‌شود و آنان



تصویری از راهپیمایی دانش آموزان اوایل دهه چهل در منطقه ناز و آسایش طلاب

به مرور از راه رفته بازمی‌گردند. بازگشت این علما آتش به‌خاک‌سزنشسته مجالس درس وعظ در مشهد را الو می‌دهد و این رونق جان گرفته هم سبب جذب طلبه‌های جوان از دیگر شهرها به اینجا می‌شود. پرواض است حضور این تعداد از روحانیون در ادامه مطالباتی را به وجود می‌آورد که اسکان ثابت و نیاز به مسکن یکی از آنان بوده است.

- مطعمی که با هزار۳ فقره قطعه زمین

آیتا...میرزا حسین فقیه سبزواری دست به کار می‌شود و مکاتبات خود را آغاز می‌کند. پس از درخواست و نامه‌نگاری‌های بسیار، سرانجام این مهم محقق و رئیس اداره اراضی آستان قدس رضوی مجاب می‌شود تا زمین کوی طلاب امروزی را که اراضی وقفی قلعه محراب‌خان و اطراف آن بوده است، با شرایطی در اختیار ایشان بگذارد. رئیس اداره اراضی آستان قدس رضوی سپس مقرر می‌کند این اراضی ۲۰ سال بدون پرداخت اجاره‌بها (در برخی منابع و روایت‌ها از اجاره‌بهای ۳۰۰ تومان در سال یاد شده است) به مصرف طلاب برسد و این تصمیم سنگ اول ایجاد بنا و آبادانی در محله طلاب امروز را می‌گذارد. آیتا...میرزا حسین فقیه‌سبزواری هم در سال ۱۳۳۹ خورشیدی این اراضی را به ۳۰۰۰ قطعه زمین با متر اژ معین ۵۰۰ و ۳۰۰ متر تقسیم می‌کند و در یک مراسم قرع کشی به طلاب جوان می‌دهد تا در آن برای خود کاشانه و سرنپاه بسازند. با شروع خانه‌سازی طلاب در این محل، به‌مرور بافت روستایی این محدوده تغییر می‌کند و شکل و شمابلی شهری به خود می‌گیرد. این روند شهری شدن در سال ۱۳۴۰ خورشیدی پس از بازدید «سرتیپ معتمد کردستانی»، فرمانده لشکر خراسان، فزونی می‌گیرد. این درجه‌دار در این روز دستور می‌دهد خیابان‌های این محدوده را که زمین‌های زراعی خاکی با پستی‌وبلندی‌های بسیار بوده است، با بلدوزر و کامیون‌های ارتش هم‌سطح کند. در آن روزها منطقه طلاب بسیار وسیع بوده، چنان‌که اراضی آن از ابتدای چهارراه مقدم امروزی شروع می‌شده و بخش‌هایی از گلشهر را هم در بر می‌گرفته، اما بخش اصلی آن کوی طلاب بوده است.

- خط اتوبوس، آب لوله‌کشی و ساخت نخستین مسجد

اما آبادانی محله طلاب به دست مرحوم فقیه‌سبزواری در قطعه‌بندی زمین و اختصاص آن به طلاب خلاصه نمی‌شود و او پس از سال ۱۳۴۲ تلاش می‌کند تا با آوردن آب لوله‌کشی و حمل و نقل شهری به این محدوده تازه‌تأسیس، طلاب را به محله‌ای با امکانات روز شهری تبدیل کند. ساخت نخستین مسجد نیز از دیگر اقدامات عمرانی و



تصویری از مراسم تشییع بیکر آیتا...میرزا حسین فقیه‌سبزواری در ۱۵ بهمن ۱۳۴۵- اطراف حرم

فرهنگی میرزا حسین فقیه‌سبزواری است که به‌ثمرنخستین میوه این کارهای خدایسندانه و عام‌المنفعه، به عمر او که در سال ۱۳۴۵ خورشیدی به دیدار دوست رفته است، قد نمی‌دهد اما باقیات‌صالحات ماندگاری می‌شود که تا هنوز هم باقی و جاری است.

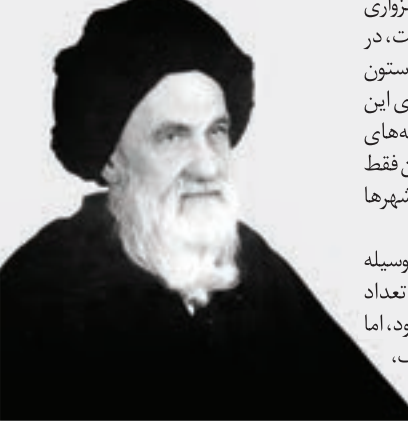
بخشی از متن خبر چاپ‌شده در روزنامه خراسان در روز فوت آیتا...میرزا حسین فقیه‌سبزواری، ۱۵ بهمن ۱۳۴۵ حضرت آیتا... فقیه سبزواری به رحمت ایزدی پیوست

با کمال تأسف اطلاع حاصل شد که نزدیک به نیمه شب شنبه (۱۵ بهمن ۱۳۴۵) حضرت آیتا... العظمی فقیه سبزواری به رحمت ایزدی پیوسته‌اند. مرحوم حضرت آیتا... سبزواری از چندماه پیش دچار بیماری شده و مدتی نزدیک به یک‌ماه در بیمارستان منتصریه بستری شدند و پس از بهبودی نسبی به منزل مراجعت کردند و از چند روز پیش دچار عارضه ناراحتی قلبی شدند و چون حال ایشان، شب شبی رو به وخامت رفت، بلافاصله دکتر شهیدی و دکتر شاملو، پزشکان معالجشان، بر بالین ایشان حاضر شدند ولی متأسفانه معالجات مؤثر واقع نشد و ۲۰ دقیقه به ساعت ۱۲ شب، دار فانی را وداع گفتند. از ساعت ۵ صبح، طبقات مختلف مردم و روحانیون که از فقدان حضرت آیتا... سبزواری مطلع شده بودند، در منزل ایشان اجتماع کردند. بازار مشهد تعطیل شد و تا ساعت ۹ صبح، حضرات آیات عظام و چند نفر از رؤسای ادارات و دوائر آستان قدس رضوی، روحانیون و محترمان و شهر و هزاران نفر طبقات مختلف مردم حضور یافتند. جنازه حضرت آیتا... سبزواری در ساعت ۱۲ به باغ رضوان برده شد و نظره اینکه ایشان در زمان حیات وصیت کرده بودند که در شب به خاک سپرده شوند، در آرامگاه خاندوگانی ایشان در باغ رضوان به امانت گذاشته شدند و ساعت ۶ بعد از ظهر روز گذشته، در مراسم سادهای با حضور فرزندانشان دفن شدند.



اتوبوس‌هایش را که از حرم مطهر به احمادیاب می‌رفت، به کوی طلاب بدهد. مرحوم

فقیه‌سبزواری آن روزها با درشکه آمودش می‌کرد، روز ورود اتوبوس به محله ایشان با درشکه وارد شد و پشت سرشان هم اتوبوس با چراغ روشن آمد و با استقبال مردم روبه‌رو شد که این‌ها فقط بخشی از تلاش‌های چهل ساله این عالم بزرگ برای عمران و آبادانی مشهد است.



انگشتان یک دست هم نتوانید چهره ورزشی مطرح در سایر رشته‌های ورزشی پیدا کنید، ولی در فوتبال دلتان بخواهد آدم داریم!! البته که بافت محله طلاب که در گذشته زمین‌های فوتبال خاکی زیادی داشته، بی‌تربید در علاقه‌مندی مردم این منطقه تأثیرگذار بوده است، اما تداوم آن در همه این سال‌ها، تأمل برانگیز و شاید در دنیا کم‌نظیر باشد. البته که زرخیز طلاب، فوتبال خیز است، چشمه جوشان خلق استعداد‌های فوتبالی که البته تازه بسیاری از آن‌ها به‌دلیل مختلف به سطحی که همه آن‌ها را بشناسند نرسیدند، و گرنه شاید ما امروز در شهرمان مثل لندن محله‌ای داشتیم که خودش چند تیم مطرح داشت.

بناهای هویتی محله طلاب

- حمام دولتشاهی



آبادانی بدون بهداشت عمومی معنا ندارد. شاید به همین سبب هم بوده است که پس از ساخت خانه طلاب جوان، میرزا حسین فقیه‌سبزواری در یکی از نخستین اقدامات خود، زمینه ایجاد گرمابه‌ای عمومی را فراهم می‌کند. این گرمابه که «دولتشاهی» نام داشته است، اوایل دهه ۴۰ خورشیدی در زمینی به‌متر اژ ۱۰۰۰ متر آجرچینی می‌شود. آیتا... فقیه‌سبزواری این زمین را به فردی به‌نام «حاج محمدتقی دولتشاهی» واگذار می‌کند تا پس از ساخت حمام، خود کلیددار آن باشد. طبق روایت و اسناد برجامانده، یکی از مطب‌های دکتر شیخ نیز در یکی از اتاق‌های بالای همین حمام قرار داشته است.

- قلعه محراب‌خان

این روزها دیگر، ویرانه یا بقایای اندکی از قلعه معروف محراب‌خان وجود ندارد، اما خاطرات موسسید کرده‌های شهر گواه این است که روزگاری در اراضی امروز محله طلاب، قلعه بزرگی با دیوارهای قطور کاهگلی و ۲ برج دیده‌بانی وجود داشته که درخت‌های برجامانده، و تفرجگاه مردم شهر بوده است. البته گویا به‌جز قلعه محراب‌خان، قلعه کوچک دیگری به‌نام شادکن نیز وجود داشته که محل اسکان رعایا و مواج‌بگیران محراب‌خان بوده است.

- قلعه محراب‌خانه



پیش از سال ۱۳۰۳ خورشیدی، مبتلایان به جذام که از شهر و دیار خود رانده می‌شدند، برای شفا گرفتن و تک‌دیگری به مشهد می‌آمدند. این جمعیت چون جایی برای ماندن نداشتند، در اطراف حرم مطهر و داخل شهر پراکنده بودند. از این‌رو «میرزا عبد‌الوهاب آصف‌الدوله شیرازی»، حاکم وقت خراسان و متولی باشی آستان قدس رضوی، (۱۳۰۱-۱۳۰۳) جذامیان را جمع‌آوری و آنان را در بخشی از زمین‌های شادکن و در مکانی به‌نام «قلعه محراب‌خان» که از موقوفات آستان قدس رضوی بود، جای داد. پس از آن هم «محمد ولی‌خان اسدی» در دوره نیابت تولیت خود (۱۳۰۵ تا ۱۳۱۴) مجموعه‌ای مجهز به درمانگاه و آشپزخانه برای آنان ساخت. آستان قدس رضوی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی، پس از کارهای تکمیلی دیگر، جذامی‌خانه را با همه‌تعلقاتش به‌بهداری استان خراسان واگذار کرد که آسایشگاه محراب‌خان نامیده شد. همچنین بهبودیافتگان با بیماران جذام خشک به‌مرور در محله پشت این بیمارستان اسکان داده شدند که تعدادی از آنان هنوز در این منطقه ساکن هستند.

بهشتی که او به مشهد هدیه داد

در کارنامه خدمات عمرانی زنده‌یاد میرزا حسین فقیه سبزواری می‌توان «احداث غسلاخانه مشهد در ابتدای خیابان طبرسی»، «اتمام بنای درمانگاه رازی»، «تأسیس حسینیه اصفهانی‌ها» و چند مسجد و حسینیه دیگر را دید، اما شاید زیباترین و به‌یادماندنی‌ترین این خدمات پس از ساخت محله بزرگ طلاب ساخت باغ و مدرسه رضوان و همچنین ساخت خانه برای سیل‌زدگان مشهد باشد.

- تأسیس باغ و مدرسه رضوان



قبرستان معروف به قتلگاه، که بزرگ‌ترین آرامستان عمومی مشهد در قرن‌های متمدا می‌بوده، تا ابتدای دوره پهلوی در محل دوربرگردان طبرسی تا بازارچه حاج آقاچان قرار داشته اما بعد از ساخت فلکه حضرت و خیابان طبرسی از بین رفته است. در سال ۱۳۲۰ خورشیدی مرحوم میرزا حسین فقیه‌سبزواری در همین محدوده با تبدیل ۱۶ هزار مترمربع از زمین قتلگاه به فضای سبز، باغ رضوان را به مشهد هدیه می‌دهد. ایشان سپس در این منطقه برای اسکان موقت طلاب ورودی جدید به حوزه علمیه مشهد، حجره‌هایی (۱۵۰ حجره) می‌سازد که به مدرسه رضوان معروف می‌شود.

- اهدای زمین به سیل‌زدگان مشهد

در خرداد ۱۳۲۹ سیل بزرگی کوچه‌پس‌کوچه‌های مشهد قدیم را درنوردید و سبب ویرانی خانه‌های فراوانی شد که در مسیر پریشانش قرار داشتند. بی‌خانمانی بخشی از جمعیت مشهد که بیشتر از فقرا بودند، پس از فرونشستن سیل، به موضوع مهم شهر تبدیل می‌شود. در این میانه آیتا... میرزا حسین فقیه‌سبزواری دوباره آستین همت بالا می‌زند و برای این گروه در قطعه زمینی روبه‌روی کارخانه نخریسی مشهد ۱۲۰ خانه و ۲۵ خانه دیگر هم در خیابان خواجهربیع مشهد می‌سازد.